

## اثر هنری و رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر (مطالعه موردی: نگاره بهرام گور در قصر هفت‌گنبد، ۸۱۳ ه.ق)

نازیانو ترکاشوند\*

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۸/۴)

### چکیده:

در این مقاله کوشش خواهد شد ابتدا توضیح بسیار مختصری در مورد شیوه‌ی بررسی ارتباط متقابل جامعه و هنر در جامعه‌شناسی هنر با دو عنوان رویکرد بازتاب و رویکرد شکل‌دهی ارائه گردد و سپس با نظر به رویکرد بازتاب به بررسی یکی از نگاره‌های ایرانی دوره تیموری در چگونگی بازتاب‌اندن دو جریان مهم رایج در آن زمان پرداخته شود. نظریه‌ی بازتاب به بررسی تأثیرات مختلف جامعه بر چگونگی شکل‌گیری آثار هنری می‌پردازد و بر این عقیده استوار است که آثار هنری بازتاب‌اننده‌ی جریان‌های موجود در جامعه‌ی همعصر خویش است. در این مقاله با توجه به نظریه‌ی بازتاب به بررسی "نگاره بهرام گور در قصر هفت‌گنبد ۸۱۳ ه.ق" پرداخته می‌شود و تأثیر دو جریان مهم که شامل علم نجوم و فرم معماری رایج در زمان به تصویر کشیدن نگاره و سپس چگونگی بازتاب آنها از طریق نگاره‌ی مورد نظر بررسی می‌شود. در این مقاله هرگاه کلمه "هنر" به کار رفته است؛ هر دو سویه‌ی هنر یعنی "هنر" و "اثر هنری" مدنظر بوده است. همچنین برای سهولت در بیان نام نگاره، در مقاله با نام "هفت‌گنبد" از آن یاد خواهد شد.

### واژه‌های کلیدی:

جامعه‌شناسی هنر، رویکرد بازتاب، اثر هنری، نگاره هفت‌گنبد.

## مقدمه

نیستند) در جامعه‌ی معاصر اثر هنری است، می‌توان به یک سری از وقایع جامعه‌ی معاصر اثر هنری پی برد که بر آثار هنری تاثیر گذاشته و به وسیله‌ی آثار هنری بازتابانده شده‌اند. به این نوع از رویکرد، رویکرد بازتاب می‌گویند که در حقیقت به بررسی تاثیر جامعه بر اثر هنری از طریق مطالعه اثر هنری می‌پردازد و معتقد به این سخن است که "هنرها گویای بعضی مطالب در مورد جامعه هستند" (Alexander, 2003, 21).

با توجه به تعاریف فوق در هر دو رویکرد بازتاب و شکل دهی، هدف از جامعه‌شناسی هنر، شناخت بهتر جامعه از طریق شناخت آثار هنری است، ولی با توجه به هدف مقاله حاضر که بررسی تاثیر جامعه بر اثر هنری (رویکرد بازتاب) است، رویکرد شکل دهی به خودی خود کنار گذاشته می‌شود و به ذکر نمونه‌هایی از موارد بررسی شده با رویکرد بازتاب اشاره خواهد شد.

### نمونه‌هایی از رویکرد بازتاب در روند کاربردی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در رویکرد بازتاب آثار هنری به مثابه آیینی در نظر گرفته می‌شوند که بعضی جریان‌های موجود در جامعه را بازتاب می‌کنند. برای مثال:

پیر سورلن<sup>۵</sup> در کتاب سینمای کشورهای اروپایی (۱۳۷۹)، با بیان نظریه‌های مختلف نشان می‌دهد که با مطالعه‌ی سینما (هنر، اثر هنری) متعلق به زمان و مکانی خاص، می‌توان به ویژگی‌ها و خصوصیات یک جامعه پی برد. در واقع مواردی که در فیلم‌ها از جمله بیکاری، رقابت‌های صنعتی، مشکلات مسکن و بحران‌های خانوادگی به نمایش در می‌آیند؛ همگی مسایلی است که در جامعه‌ی واقعی وجود دارد و این موارد نمودی از دنیای واقعی در فیلم‌ها است. او به این نکته اشاره می‌کند که:

"کسانی که فیلم می‌سازند در همان مملکتی زندگی می‌کنند که بیشتر تماشاگران آتی اثر آنها زندگی می‌کنند و مشکلات و چشم اندازهای آنها برای آینده تا حدودی مشترک است؛ .. فیلم واقعیت نیست اما در عین حال نمی‌تواند خود را به طور کامل از شرایط حقیقی‌ها رها کند؛ مثل این که آن چه را پیش رو دارد، با این که ممکن است تحریف کند و محدود و در چارچوبی قرار دهد، سرانجام در خود منعکس می‌سازد. فیلم نیز جنبه‌هایی از جامعه‌ای را که در آن ساخته شده است نمایش می‌دهد (دورگنات، به نقل از سورلن، ۱۳۷۹، ۱۲).

از موارد دیگر، تحقیقی است که جانت ولف<sup>۶</sup> در کتاب تولید اجتماعی هنر (به نقل از لوسین گلدمن، ۱۳۶۷، ۷۴) از آن یاد کرده است؛ در این تحقیق نشان داده شده است که چگونه وضعیت یک طبقه خاص توسط هنرمندی که به همان طبقه تعلق داشته است، در اثر هنری او منعکس می‌شود. او نوشته‌های پاسکال و نمایشنامه‌های راسین را برای مثال می‌آورد، این دو به لحاظ انجام وظایف و مسایل اقتصادی به دربار سلطنتی وابستگی دارند؛

در کتاب جامعه‌شناسی هنرها<sup>۱</sup> (Alexander, 2003, 7) مبنای مطالعات در جامعه‌شناسی هنر بنا به تعریف جامعه‌شناسان هنری در حالت کلی، بررسی هنر بر مبنای بیان و دریافت است و به چیزی هنر گفته می‌شود که بتوان آن را بررسی، تحلیل و نقد کرد تا از این طریق، ارتباط آن هنر با جامعه‌ای که در آن شکل گرفته بررسی شود. پس در این جا نه به توصیف آثار هنری و نه به فلسفه پیدایش آنها پرداخته می‌شود؛ بلکه به بررسی چگونگی تاثیرپذیری یا تاثیرگذاری آنها نسبت به جامعه توجه می‌شود.

دو شیوه از روش‌های متداول در جامعه‌شناسی هنر برای نقد، بررسی رابطه‌ی متقابل اثر هنری و جامعه بر یکدیگر است<sup>۲</sup>؛ که در کلی‌ترین حالت، هنر را از این منظر می‌توان با دو نوع رویکرد بررسی کرد:

الف) رویکرد شکل دهی، ب) رویکرد بازتاب.

### الف: رویکرد شکل دهی<sup>۲</sup>

یکی از مباحث در جامعه‌شناسی هنری در بررسی ارتباط میان جامعه و هنر، روندی است که تاثیرات هنر بر جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به آن "رویکرد شکل دهی" می‌گویند. در این رویکرد، اعتقاد بر آن است که تاثیر آثار هنری بر جوامع معاصر خود انکارناپذیر بوده و این آثار به رفتارها، ارزش‌ها و تحولات ارزش‌های اجتماعی شکل می‌دهد و می‌توانند "ایده‌ها و افکاری را در ذهن مردم جای دهند" (Ibid, 35).

در این رویکرد هنرها را برتر از جامعه می‌دانند و هنرمند کسی است که می‌تواند با رایه‌ی اثرش، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های جدید را در جامعه نهادینه کند به طوری که هنر را به عنوان روندی تاثیر گذار (تاثیر مثبت یا تاثیر منفی) بر جامعه در نظر گرفته‌اند (Ibid).

### ب: رویکرد بازتاب<sup>۳</sup>

مبحث دیگر در مباحث جامعه‌شناسی هنری "رویکرد بازتاب" نام دارد که بر اساس این رویکرد هنر همانند "آیینی‌ای جامعه‌ی معاصر خود را بازتاب می‌نماید و محتویات هنرها از ارزش‌ها و اعتقادات و جریان‌های موجود در جامعه‌ای که هنر، در آن به وجود آمده، نشأت می‌گیرد" (Ibid, 22). همچنین این نظریه بر این اصل استوار است که "موجودیت اثر هنری با ویژگی‌های یک دوره‌ی تاریخی، یک گروه اجتماعی و... رابطه دارد" (دوینیو، ۱۳۷۹، ۷۵) و می‌توان گفت هنرها آن چه را که از جامعه‌ی معاصر خود، به لحاظ محتوایی، دریافت می‌کنند گاهی به وضوح و گاهی با عدم صراحت در قالب رمز به طور نمادین نشان می‌دهند.

حال اگر در ابتدا به تحلیل و بررسی اثر هنری به جهت درک مفاهیم آشکار و پنهان آن بپردازیم، در مرحله بعدی با توجه به مفاهیم به دست آمده از بررسی اثر هنری و این مبنا که، مفاهیم به دست آمده از بررسی اثر هنری، نشأت گرفته از جریان‌های موجود (این جریان‌ها صرفاً در برگیرنده‌ی مسایل اقتصادی یا سیاسی

در تحقیقی دیگر بر روی تصاویر کتاب‌های کودکان معلوم شد که تا نیمه دوم قرن بیستم در آمریکا، هیچ کودک سیاه پوستی در این تصاویر وجود ندارد و از نیمه دوم قرن بیستم به علت حضور بیشتر سیاهان و مسایل مربوط به آنها در جوامع مختلف، کودکان سیاه پوست نیز در تصاویر کتاب‌های کودکان به تصویر کشیده شده‌اند (Alexander, 2003, 37).

از طرفی به لحاظ ایدئولوژیکی و سیاسی با سلطنت مخالف هستند و این نگرش متناقض به طور محسوس بر آثارشان تاثیر گذاشته است. لوکاچ<sup>۷</sup> در کتاب رئالیسم معاصر (۱۳۴۹، ۹۶) بر این باور است که آثار هنری مدرنیسم بازتاب شرایط اجتماعی سرمایه داری هستند و ادبیات مدرنیست نشان دهنده آرزوی نویسنده برای فرار از واقعیت سرمایه داری و در عین حال دانستن این که هر حرکتی برای تغییر وضع موجود پیشاپیش محکوم به شکست است.

## شیوه بررسی نگاره هفت گنبد در این مقاله

مطابق رویکرد بازتاب، اثر هنری (آثار هنری) را مانند آینه ای که بازتابنده‌ی شرایط اجتماعی است، باید در نظر گرفت؛ ممکن است این آینه، مانند آینه ای تخت نبوده و فقط بعضی از حقایق را در خود داشته باشند، اما به هر صورت این آینه تخت باشد یا نه؛ اگرچه ممکن است که وقایع را به صورت کامل نمایش ندهد، اما حداقل بخشی از آنها را بازنمایی خواهد کرد و گاهی بازنمایی آن به صورتی نمادین است که اهل آن هنرمی توانند از آن رمز گشایی کنند.

در این مقاله به جای بررسی مجموعه ای از آثار، یک اثر (نگاره) برای تحلیل با رویکرد بازتاب در نظر گرفته شده است. زیرا در این نگاره که تا کنون فقط به بررسی عناصر رنگی موجود در آن پرداخته‌اند:

الف) به صورتی نامحسوس از قوانین نجومی استفاده شده است و در اینجا به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که جامعه معاصر نگاره‌ی مورد نظر به لحاظ علم نجوم در چه سطحی بوده است که نگارگر، اثر خود را اینگونه ترسیم کرده است و در واقع آیا قوانین نجومی موجود در نگاره بازتابنده‌ی شرایط جامعه ای است که در آن برای علم نجوم اهمیت ویژه ای قائل می شده‌اند؟

ب) نحوه‌ی ترسیم فرم معماری در این نگاره با فرم معماری بناهای قبل و بعد از زمان ترسیم نگاره متفاوت است و خود گویای سبک غالب معماری و اهمیت معمار بنا در آن زمان است و مشخص کننده تاثیر بصری بر هنرمند و سپس اثر اوست یعنی تاثیر مستقیم شرایط فیزیکی جامعه از آنچه به چشم دیده می شده است.

اکنون برای بررسی نگاره مورد نظر اشاره‌ی کوتاهی به متن منظوم هفت پیکر خواهم داشت؛ زیرا طبق سنت ایرانی پس از اسلام، نگارگر ایرانی مضمون نقاشی‌هایش را از ادبیات فارسی وام می گرفت (اشرفی، ۱۳۶۷، ۱۰ و ۱۱).

## داستان هفت پیکر

هفت پیکر یا هفت گنبد چهارمین مثنوی از پنج گنج نظامی (ه۶ق) است که در این منظومه زندگانی بهرام پنجم ساسانی معروف به بهرام

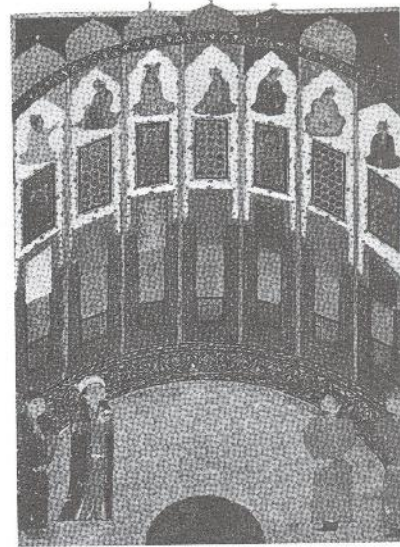
گور (۴۲۰-۴۳۸م) به خواننده معرفی می شود.<sup>۸</sup> بهرام با هفت شهبانو از هفت اقلیم ازدواج کرده و آنها را در هفت گنبد به هفت رنگ جای می دهد، در هر روز از هفته به یکی از گنبدها می رود و هر یک از دختران برای او داستانی حکایت می کنند. نظامی جمعاً هفت داستان از قول آنان روایت کرده است؛ که به این ترتیب هستند:

شنبه: افسانه گفتن شه بانوی هند در گنبد سیاه؛ یکشنبه: افسانه گفتن شه بانوی روم در گنبد زرد؛ دوشنبه: افسانه گفتن شه بانوی خوارزم در گنبد سبز؛ سه شنبه: افسانه گفتن شه بانوی سقلا در گنبد سرخ؛ چهارشنبه: افسانه گفتن شه بانوی مغرب در گنبد پیروزه؛ پنجشنبه: افسانه گفتن شه بانوی چین در گنبد صندلی<sup>۹</sup>؛ جمعه: افسانه گفتن شه بانوی ایران در گنبد سپید<sup>۱۰</sup>.

## نگاره هفت گنبد

نگاره‌ی هفت گنبد (تصویر ۱) صحنه ای از داستان را نشان می‌دهد که بهرام دختران هفت اقلیم را در کاخ خود ملاقات کرده و سفرش را از گنبد سیاه به گنبد سفید آغاز می کند. نگارگر دقیقاً همان رنگ های داستان را برای به تصویر در آوردن نگاره استفاده کرده است در اینجا بهرام، گوی سفیدی در دست گرفته و تنها شخصی است که کلاه سفید نیز بر سر گذاشته است<sup>۱۱</sup>.

همچنین بالا پوش تیره ای که بر روی پیراهن قرمز او ترسیم شده این نکته را به ذهن می رساند که احتمالاً نقاش با آگاهی کامل از معانی رنگ ها در داستان، بهرام را برای آغاز داستان با رنگ لباس و جهت نگاهش، برابر با همان شخصیت موجود در حکایت گنبد سیاه می‌داند که از طرفی با وجود گوی سفید در دست و کلاه سفیدش باید به خلق و خوی موجود در گنبد سفید دست پیدا کند. تقریباً تمامی جزئیات نگاره با نکات ذکر شده در متن منظوم داستان مطابقت دارد تنها یک مورد کمی متفاوت است؛ در نگاره، گنبد هفتم به جای رنگ سفید به رنگ خاکستری روشن است اما همان طور که در زیر گنبد های دیگر پارچه‌ی سر دری هم رنگ با رنگ گنبد نقش شده، پارچه‌ی سر دری گنبد هفتم نیز به رنگ سفید است که در اینجا من نیز گنبد هفتم را با رنگ سفید معادل می‌دانم. نگارگر بهرام را که در گوشه پایین سمت

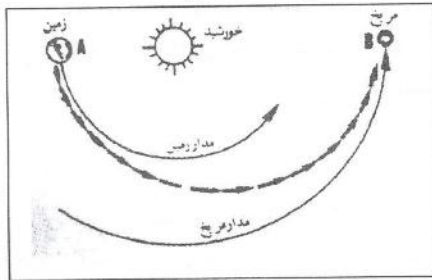


تصویر ۱- بهرام گور در قصر هفت گنبد، گلچین اسکندر سلطان، مکتب شیراز (۱۳۸۳ ق.م).  
ماخذ: (Barry, 1995, 43)

از طرفی داستان‌هایی که دختران در هفت روز برای بهرام حکایت می‌کنند در حقیقت هفت سال طول می‌کشد، زیرا هنگامی که بهرام شاه برای میهمانی به گنبد اول می‌رود؛ یکم دی ماه در ابتدای فصل زمستان؛ و هنگامی که از گنبد هفتم که آخرین گنبد است بیرون می‌آید روز اول بهار است (بری، ۱۳۸۵، ۶۰-۶۱). و بهرام متوجه می‌شود در زمانی که او در دربار نبوده، اوضاع مملکت بسیار آشفتگی شده است، زیرا غیبت طولانی او معادل با هفت سال بوده است و در این هفت سال ما تغییر فصل‌ها از زمستان به بهار را داریم.

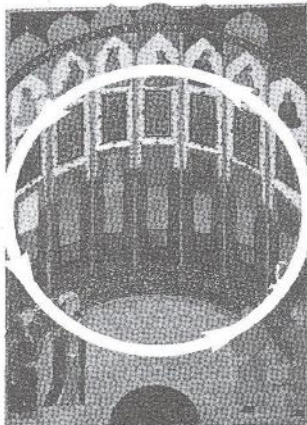
## ۲) جهت سلوک بهرام گور در نگاره و سیاره بهرام در منظومه شمسی

بر اساس قوانین وضع شده در علم نجوم حرکت سیاره‌های منظومه شمسی<sup>۱۲</sup> بر روی مدارهای منحنی<sup>۱۳</sup> است (Chaisson, ۲۰۰۱، ۱۲-۱۰) و آنچه که موجب پیدایش فصل‌ها در هر سیاره از جمله سیاره زمین و بهرام (مریخ) می‌شود، حرکت دورانی آن سیاره به دور خورشید<sup>۱۴</sup> در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت<sup>۱۵</sup> است (دگانی، ۱۳۸۲، ۲۶۲) (تصویر ۲).



تصویر ۳- حرکت سیاره مریخ و سیاره زمین به دور خورشید بر مدار منحنی در جهت خلاف حرکت عقربه‌های ساعت و ایجاد فصل‌ها<sup>۱۶</sup>.  
ماخذ: (دگانی، ۱۳۸۲، ۲۶۲)

در نگاره، نگاه بهرام به سمت گنبدی سیاه است که باید سلوکش را از آن آغاز کند و همان‌طور که پیشتر بیان شد؛ مسیر حرکت سلوک بهرام با توجه به ترکیب بندی نگاره بر مدار منحنی (تصویر ۲)، و مطابق با چرخش رنگ گنبدها (تصویر ۴) در خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت است.



تصویر ۴- جهت نگاه بهرام و سلوکش در خلاف جهت عقربه‌های ساعت.  
(ماخذ: نگارنده)

و این را نیز می‌دانیم که این حرکت، هفت سال طول کشیده و با تغییر فصل‌ها همراه بوده و در دنیای باستان بهرام نام سیاره مریخ

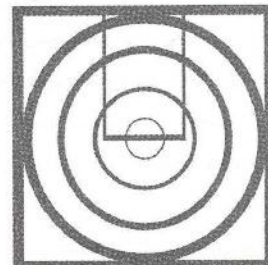
چپ تصویر ایستاده، با لباسی سرخ که نماد رنگی سیاره بهرام در دنیای باستان بود (بری، ۱۹۹۵، ۲۸۸) و عبایی تیره که تقریباً به رنگ لباس دختر گنبد اول است، ترسیم کرده است. یعنی در این نگاره، نگارگر، بهرام شاهی را به تصویر کشیده است، که دقیقاً شاعر داستان از او یاد کرده است.

## الف) نگاره هفت گنبد و بازتاب علم نجوم

موردی که نظر نگارنده را در نگاره به خود جلب کرده؛ این نکته است که چرا در این نگاره دختران در گنبدهای رنگین که از سیاه به سفید تغییر رنگ می‌دهند، از سمت راست به سمت چپ تصویر شده‌اند، زیرا در مورد چگونگی قرار گرفتن از غرب به شرق یا از شرق به غرب این گنبدها هیچ نکته‌ای در داستان منظوم آن آورده نشده است و تنها به چگونگی ترتیب چینش رنگ‌ها کنار هم از سیاه به سفید اشاره شده است.

### ۱) ترسیم نگاره بر مدارهای منحنی

با نگاهی بر نوع ترکیب بندی این نگاره (تصویر ۲) متوجه خواهیم شد که؛ ترکیب بندی آن "بر کمان‌هایی از دایره‌های متعدد استوار است؛ دایره‌هایی که بخشی از آنها توسط مستطیل عمودی کادر انتخاب شده است" (افشارنیا، ۱۳۸۶، ۱۲۱).



تصویر ۲- ترکیب بندی مستطیل نگاره و دایره‌هایی که بر اساس آن شکل گرفته است.  
ماخذ: (افشارنیا، ۱۳۸۶، ۱۲۱)

حکومت قبلی به پایتخت حکومت جدید بود. هنرمندان در این دوره گاهی در مراغه، گاهی در شیراز و گاهی هم در سمرقند به سر می‌بردند.

از طرف دیگر آن چه که از اسناد مکتوب بر جا مانده نشان می‌دهد که هولاکو و جانشینان بعد از او همگی علاقه فراوانی به امر "ستاره‌شناسی" داشته‌اند و همه‌ی آنها برای کنار هم آوردن منجمان زمان خود رصدخانه‌های بسیار مجهزی ساخته بودند. اسکندر سلطان نیز که از خانان مغول بود از این امر مستثنی نبوده و برای منجمان زمان خود ارزش و احترام زیادی قایل بود (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۱۲۸).

با توجه به این که در دوره‌ی ترسیم نگاره‌ی مورد نظر برای علم نجوم ارزش بسیار زیادی قایل می‌شدند و موارد ذکر شده دیگر، نگارگر نگاره‌ی هفت گنبد می‌توانسته است به منابع دقیق نجومی دسترسی داشته باشد، آنها را مطالعه کند و در اثر هنری خود با استفاده از این اطلاعات جهت درستی از گردش سیارات بر مسیر منحنی را ترسیم کند. و گوشه‌ی بسیار کوچکی از جریان موجود علمی زمان خود را در اثر خود بازنمایاند.

## ب) نگاره هفت گنبد و بازتاب فرم معماری رایج در دوره تیموری

نگاره هفت گنبد دارای بنایی است که خود قابل بررسی می‌باشد زیرا مطابق نظریه بازتاب هنرمند چیزی را به تصویر می‌کشد که در دوره‌ی زندگی اش موجود بوده است.

### ۱) گنبد در نگاره هفت پیکر و بناهای دوره تیموری

در نگاره هفت گنبد تاکید بسیار زیادی بر حضور گنبدها شده به طوری که هر کدام از گنبدها به تنهایی دارای ارتفاع و عظمت زیادی هستند. همچنین با نگاهی واحد به هفت گنبد در حکم یک گنبد؛ این عظمت و ارتفاع بیشتر به چشم می‌آید.

از اتفاقات قابل توجه در معماری دوره تیموری اهمیت دادن به حضور گنبد در بنا است:

زیرا حضور گنبد در ساختمان‌ها باعث ایجاد حالتی از تقدس بود، در دوره‌ی تیموری گنبد‌های دو پوسته‌ای ساخته می‌شد که به علت دو جداره بودن آنها ارتفاع این گنبدها بلند می‌شد و تناسب زیبایی‌شناسی، ایجاب می‌کرد که استوانه‌ی زیر گنبدها نیز بلند ساخته شود (ویلبر، ۱۳۷۴، ۱۱۸ و ۱۲۴) یعنی همان شیوه‌ای که در ترسیم بنای نگاره‌ی هفت پیکر استفاده شده است.

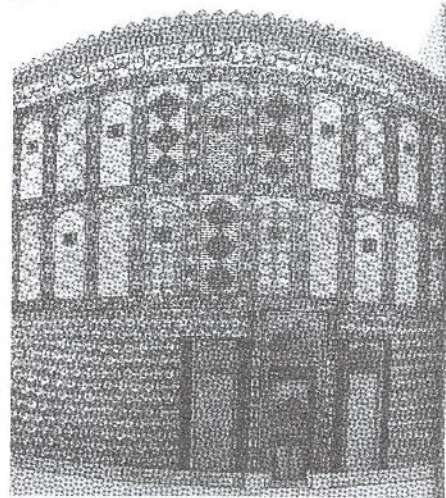
### ۲) ارتفاع و عظمت بنا در نگاره هفت پیکر و بناهای دوره تیموری

مورد دیگر در مورد نمای بنا در این نگاره، عظیم بودن ساختمان و ارتفاع بسیار زیاد برای دیوارها و بلند بودن استوانه‌ی زیر گنبدها است و این از آن جهت است که در دوره‌ی تیموری ساختن "ساختمان‌های بسیار بزرگ" (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۱۱۴) کاملاً مرسوم بوده است (تصویر ۶).

به رنگ سرخ است که این نوع حرکت و ترکیب بندی و رنگ قرمز لباس بهرام، در ترسیم نگاره، کاملاً بر قواعد علم نجوم منطبق است.

## ۳) اهمیت علم نجوم در زمان معاصر کشیده شدن نگاره و بازتاب آن در نگاره

این نگاره در سال ۸۱۳ ه.ق در دوره‌ی اسکندر سلطان نوه‌ی تیمور<sup>۱۷</sup> کشیده شده است. اگر به زمانی قبل تر از آن در دوره‌ی ایلخانان<sup>۱۸</sup>، حکومت هولاکو خان<sup>۱۹</sup> در ایران (۶۵۱ تا ۶۶۳ ه.ق) نگاهی داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که یکی از بزرگان علم نجوم ایران در آن دوره یعنی خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۸ ه.ق) در ربار هولاکو خان حضور داشته و دارای اعتباری ویژه بوده است، تا حدی که هولاکو به پیشنهاد خواجه، "رصدخانه‌ی مراغه" (تصویر ۵) را در مراغه که در آن زمان پایتخت ایلخانان بوده است، در سال ۶۵۷ ه.ق می‌سازد و مدیریت این رصدخانه را به خواجه نصیرالدین می‌سپارد<sup>۲۰</sup> (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۱۱۹-۱۴۸).



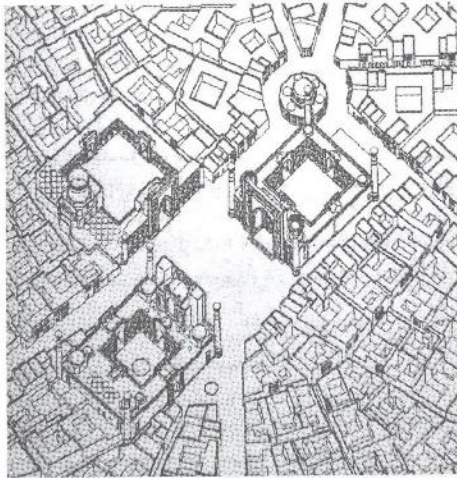
تصویر ۵- تصویر بازسازی شده از برج رصدخانه مراغه. ماخذ: (ورجاوند، ۱۳۶۶، ۳۲۳)

در این رصدخانه به صورت همزمان به تحقیق، آموزش، دعوت از منجمان برای همکاری، جمع‌آوری و ترجمه کتاب‌های مختلف نجومی و گردآوری این منابع مکتوب در مکانی مانند کتابخانه پرداخته می‌شد و به این روش تا انتهای دوره ایلخانان به کار خود ادامه داد (همان، ۳۷۲-۳۶۷).

اما موضوع مهم این است که در دوره تیموریان الغ بیگ (۵۸۰-۵۸۲ ه.ق) رصدخانه‌ای در سمرقند، دقیقاً با مشخصات رصدخانه مراغه می‌سازد<sup>۲۱</sup>، این اتفاق انجام نمی‌شده است، مگر آنکه طرح‌هایی از رصدخانه مراغه باقی مانده باشد. البته با منابع مکتوبی که خواجه نصیر در زمان خود گردآوری کرده بود؛ وجود این طرح‌ها غیر ممکن نبوده است.

همچنین شیوه رایج برای نوشتن کتاب‌های علمی در ایران به صورت مصور بوده است که به طور معمول، برای مصور کردن این کتاب‌ها از نگارگران کمک گرفته می‌شده (پاکیان، ۱۳۷۹، ۵۴) و از مواردی که برای هنرمندان در دوره‌های متفاوت به خصوص در دوره‌ی ایلخانی و تیموری پیش می‌آمد، تغییر مکان آنها از پایتخت

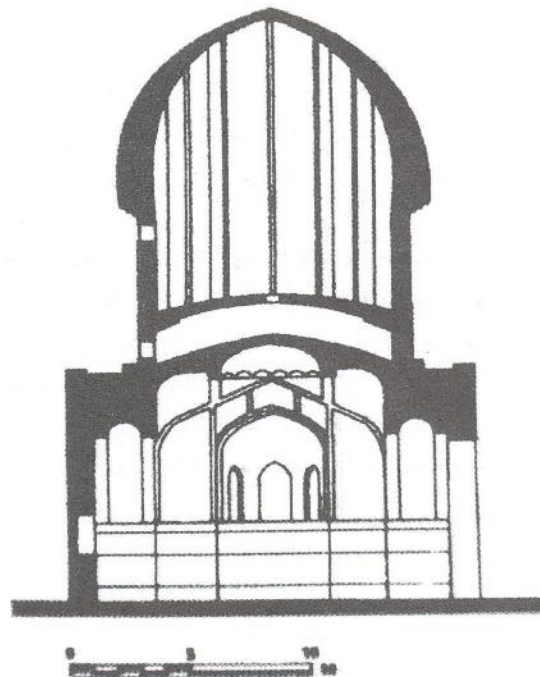
حضور میدان در زندگی روزمره ی شهرنشینان ایرانی بعد از ورود یونانیان به ایران عنصری متداول بوده است (حبیبی، ۱۳۷۵، ۲۰) و در دوره تیموری نیز این نوع از تجمع بر مرکز یک منحنی به عنوان میدان گاهی مرسوم بوده است (تصویر ۷).



تصویر ۷- پایتخت ایران در زمان تیموری، میدان ریگستان (هرات قرن ۵۹ ق.)  
ماخذ: (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۲۱۲)

#### ۵) اهمیت معمار در نگاره و دوره تیموری

در توصیف نگاره از شخصی که سمت چپ، پشت بهرام ایستاده معمولاً با نام شیده (در پی نوشت شماره ۱۱ توضیح داده شده است)، معمار بنای هفت گنبد یاد می شود، او تنها شخصیتی است که در نگاره طوری ایستاده که کادر جدا کننده ی تصویر از فضا را قطع کرده است و این وضعیت قرارگیری او در نگاره می تواند، نمادی از مقام والای معمار برای بهرام (یا هنرمند اثر) باشد. با نگاهی بر تاریخ معماری دوره تیموری متوجه می شویم که در این دوره معماران بناها به حدی دارای اعتبار بوده اند که نام خود را جایی از پیکر ساختمان می نوشتند (ویلبر، ۱۳۷۴، ۱۰۹ و ۱۱۰) و این معماران صاحب نام معمولاً صاحب منزلت ویژه ای نیز بودند. پس با توجه به اهمیت معماران در آن زمان، طبیعی است که نگارگر موقعیت پیکر معمار را به گونه ای متفاوت از سایرین در تصویر قرار بدهد.



تصویر ۶- یکی از بناهای دوره تیموری با نمایی عظیم و ارتفاعی بلند، آرامگاه گوهرشاد، هرات (قرن ۵۹ ق.)  
ماخذ: (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۲۵۰)

۳) تشابه بنای قصر هفت گنبد در نگاره و بنای رصدخانه مراغه نکته ی دیگر در مورد این نگاره، نوع ترسیم کردن بنای قصر هفت گنبد است که در نما به طرز قابل توجهی مانند برج رصدخانه مراغه است (تصویر ۱ و ۵). نوع ترسیمات به کار برده شده برای تزئین، نوع جناقی های ترسیم شده برای پنجره ها و ارتفاع و عظمت بنا و حتی اینکه قصر هفت گنبد بر مدار منحنی ترسیم شود، همگی با نمای معماری بنای رصدخانه مراغه هماهنگی دارد. یعنی ساختمانی در نگاره ی هفت گنبد، تصویر شده است که نگارگر آن را در جامعه همعصر خود می توانسته مشاهده کرده باشد.

#### ۴) نگاره قصر هفت گنبد بازتاب محله ای از شهرهای ایران در دوره تیموری

همانطور که قبلاً گفته شد، ترکیب بندی این نگاره بر اساس دایره هایی با مرکز واحد است، و اگر بدون توجه به داستان هفت پیکر، به نگاره ی قصر هفت گنبد، نگاه کنیم؛ نمونه ای از فضای زندگی دست جمعی را می بینیم که می تواند به عنوان محله ای که در شهری وجود داشته است در نظر گرفته شود، محله ای که عناصر تشکیل دهنده ی آن بر یک مرکز واحد که می توان آن را میدان نامید، ساخته شده اند، و

## نتیجه

منعکس یافته است. مطالعه ی تخصصی هنرهای (آثار هنری) مختلف، در قالب مجموعه ای یا انفرادی مطابق نظریه بازتاب می تواند مادر شناخت بهتر جامعه کمک کند، زیرا بازتاب تاثیراتی که جامعه بر آثار هنری می گذارد، در آثار هنری دیده می شود. چنان که با در نظر گرفتن نکاتی که در به تصویر در آوردن نگاره هفت پیکر در مورد نحوه ی قرار دادن رنگ ها و نوع ترکیب بندی آن که نشان از

مطابق نظریه ی بازتاب، آثار هنری بازتابی است از شرایط موجود در زمان به وجود آمدن اثر هنری و در حقیقت اثر هنری همانند آینه ای، اطلاعاتی را در مورد جامعه ی همعصر خود به همراه دارد که گاه این آینه مانند آینه ای تخت تمامی یا برخی اطلاعات را همان گونه که وجود دارند منعکس می کنند یا اثر هنری همانند آینه ای ناصاف خواهد بود و تنها بخشی از اطلاعات در آن

به لحاظ ظاهری یعنی معماری و چه به لحاظ علمی یعنی نجوم بر او تاثیرگذار بوده و این تاثیر در کار او که نشانی از هنر دوره تیموری است، نیز به خوبی مشاهده می‌شود.

می‌توان گفت محتویات این نگاره، همچون آیینی‌ای بازتاباننده‌ی شرایط علمی- نجومی و معماری زمانی که اثر در آن به وجود آمده است.

قوانین نجومی دارد (بازتاب علم نجوم است) و همچنین چگونگی ترسیم بنا به لحاظ اهمیت دادن به گنبد، ارتفاع بلند، تزیینات و اعتبار دادن به معمار بنا، که این گونه اعتبار برای معماران در زمان ترسیم شدن نگاره مرسوم بوده است و همچنین با نگاهی بر شرایط تاریخی دوره ی به وجود آمدن آن می‌توان گفت، هنرمند نگاره در به وجود آوردن اثرش تنها از قوه تخیل و خلاقیت خود استفاده نکرده است بلکه شرایط جاری در جامعه‌ی دوره‌ی او چه

## پی‌نوشت‌ها:

۱. Sociology of Arts Exploring Fine and Popular Forms
۲. Relationship Between Art and Society
۳. Shaping Approach
۴. Reflection Approach
۵. Pierre sorlin
۶. Janet Wolf
۷. Lukacs
۸. توضیحات داستان هفت پیکر، عدد هفت، هفتگانه های مشهور، هفت اقلیم و... رادرا اینجا بخوانید (معین، ۲۸۴، ۲۰-۶۸).
۹. صندل: چوبی خوش بو به رنگ های سرخ و سفید وزرد است که در پزشکی مصارف فراوان داشته است (لغتنامه ی دهخدا، ۵۶۶).
۱۰. این هفت حکایت برای آموختن هفت نکته به بهرام است تا او به پادشاهی کارآمد تبدیل شود؛ شرح کامل این داستان ها و گنبد های رنگی را در این کتاب بخوانید (کامل، ۱۳۶۹، ۴۰-۴۷).
۱۱. در کتابی که تصویر نگاره ی مورد نظر از آن اخذ شده است (Barry, 1995, 43) نگارنده ی کتاب آن را بخشی از داستان معرفی می‌کند که بهرام در قصری که به دست اعراب برای او ساخته شده است یعنی کاخ خورنق تصاویر دختران را بر دیوار می‌بیند. اما در همان کتاب شخصی که پشت سر بهرام ایستاده به عنوان معمار بنا و با نام سنمار معرفی می‌شود (Ibid, 42) و این در حالی است که نظامی در داستان خود نقل می‌کند که زمانی که سنمار کاخ خورنق را می‌سازد به قتل می‌رسد و در آن زمان بهرام دوران کودکی خود را سپری می‌کرده است پس سنمار نمی‌توانسته هم زمان با بهرام که دوران بزرگسالی خود را می‌گذراند، وارد کاخ خورنق شود و اگر این احتمال وجود داشته باشد که شخصی که پشت سر بهرام ایستاده به عنوان معمار بنا است باید شنیده، معماری باشد که کاخ هفت گنبد را برای بهرام مطابق با میل او می‌سازد. مورد دیگر این که در داستان این نکته گنجانده شده که در کاخ خورنق حجره ای است که فقط بهرام شاه به تنهایی و بدون حضور هیچ ملازمی باید وارد این حجره شود و در آن تصاویر دختران بر دیوار را مشاهده کند در صورتی که در نگاره بهرام به همراه سه شخصیت دیگر در آن مکان حضور دارد. و همانطور که در این مقاله به آن اشاره می‌شود، نگارگر ابتدا با دقت و حساسیت داستان را خوانده است و سپس را به تصویر در آورده است. و به نظر می‌رسد این تصویر، بهرام گور در قصر هفت گنبد را نشان می‌دهد که قرار است به میهمانی هفت شه پانو پرود. پس در این مقاله نگاره مورد نظر، نگاره بهرام گور در قصر هفت گنبد دانسته شده است.
۱۲. The solar system
۱۳. Orbit
۱۴. حرکت زمین به دور خورشید را "حرکت انتقالی" می‌گویند. در یک تعریف کلی حرکت انتقالی یعنی "حرکت یک جرم سماوی یا کوبی به گرد کوب اصلی خود." (مصطفی، ۱۳۸۱، ۲۰۲) که باعث تغییر فصلها و ایجاد یک سال می‌شود.
۱۵. Anticlockwise
۱۶. زمان به تصویر کشیده شدن نگاره، در ایران؛ نیمه اول قرن نهم هجری قمری است که در آن زمان اعتقاد بر حرکت سیارات بر مدارهایی به دور خورشید است (حرکت سیارات بر مدار خورشید محور)، و این نکته کاملاً منطبق بر اطلاعات نجومی علم امروز در سراسر دنیا است. به همین دلیل برای وضوح بیشتر مطلب و تصویر در این مقاله از منابع امروزی برای توضیح مطلب استفاده کرده ام تا از آوردن تصاویری که درکشان مشکل است جلوگیری شود. برای مطالعه در زمینه اطلاعات نجومی در ایران در قرن نهم هجری قمری این کتاب را بخوانید: باقری، محمد (۱۳۷۵)، از سمرقند به کاشان نامه‌های گیاث‌الدین جمشید کاشانی به پدرش انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۱۷. تیمور (۸۰۷ تا ۷۷۱ ه.ق) نخستین پادشاه گورکانی و بنیان‌گذار سلسله تیموریان که از ۷۷۱ تا ۸۰۷ ه.ق. در بیشتر مملکت های آسیا پادشاهی کرد. اسکندر سلطان از نوادگان تیمور است که در دوره حکومت خود در شیراز با جمع آوری هنرمندان تحولات مثبتی را در برخی هنر ها به وجود آورد.
۱۸. ایلخانان در ایران نام سلسله‌ای از فرزندان چنگیزخان مغول است که از سال ۶۵۴ تا ۷۵۰ ه.ق. در ایران حکومت می‌کردند.
۱۹. هولاکوخان، اولین خان از ایلخانان که بعد از حمله ی مغولان از سال ۶۵۱ تا ۶۶۲ ه.ق) بر ایران حکومت کرد.
۲۰. البته توجه به مسایل نجومی در ایران از دوره ی باستان متداول بوده است (ورچاوند، ۱۳۶۶، ۱۰-۵۷).
۲۱. در آن زمان یکی از منجمین نامه‌ای به پدر خود نوشته و در آن به توضیح در مورد این رصد خانه پرداخته است. که این نامه در نسخه خطی کتابخانه مسجد شهید مطهری در تهران ثبت شده است.

## فهرست منابع:

- احمد نژاد، کامل (۱۳۶۹)، تحلیل آثار نظامی گنجوی، شرکت چاپ و انتشارات علمی، تهران.
- اشرفی، م.م (۱۳۶۷)، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، انتشارات نگاه، تهران.
- افشارنیا، مهران (۱۳۸۶)، بررسی ساختار و فرم یک نگاره هندسی، فصلنامه هنر، شماره ۶۹، صص ۱۱۶-۱۲۷.
- باقری، محمد (۱۳۷۵)، از سمرقند به گلستان، نامه‌های غیاث‌الدین جمشید کاشانی به پدرش، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- بری، مایکل (۱۳۸۵)، تفسیر مایکل بری، هفت پیگر، ترجمه جلال علوی نیا، نشر نی، تهران.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۹)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، انتشارات زرین و سیمین، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴ چاپ چهارم)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، سروش دانش، تهران.
- سورلین، پیر (۱۳۷۹)، سینمای کشورهای اروپایی، ترجمه حمید لاری، انتشارات سروش، تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۵)، از شعار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تناثر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- دروینو، ژان (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی هنر، ترجمه مهدی سجایی، نشر مرکز، تهران.
- دگانی، ملایر (۱۳۸۳)، نجوم به زبان ساده، ترجمه محمد رضا خواجه پور، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- لوکاج، گفوریگ (۱۳۴۹)، معنای رئالیسم معاصر، فریبرز سعادت، انتشارات تیل.
- محمودی، بختیاری، علیقلی (۱۳۷۶)، هفت‌نگار در هفت تالار، موسسه انتشارات عطایی، تهران.
- مصطفی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات نجومی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۴)، تحلیل هفت پیگر نظامی، انتشارات معین، تهران.
- ورجواند، پروین (۱۳۶۶)، کارش رصدخانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ولف، جان (۱۳۶۷)، تولید اجتماعی هنر، ترجمه تیره توکلی، نشر مرکز، تهران.
- ویلبر، دونالد، لیزا گل‌مبک (۱۳۷۴)، معماری دوره تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

Alexander, Victoria (2003). *Sociology of the arts exploring fine and popular forms*, Melbourne & Berlin, Blackwell publishing.

Barry, Michael (1995). *color and symbolism in Islamic architecture*, London, Thames and Hudson Ltd.

Chaisson, Eric, Steve Macmillan (2001). *The solar system*, New jersey Perentice Hall Inc.